

## جنبش انقلابی مردم کردستان و جنبش سراسری در ایران

### در یک مسیر یا جدا از هم؟

روزهای حول و حوش 23 اردیبهشت از آنجاکه همه ذهنها متوجه اعتصاب سراسری مردم کردستان در اعتراض به سیاستهای جنایتکارانه حکومت اسلامی بود و فعالین سیاسی چه در داخل و چه در خارج با وجود گرایشات و جهت گیریهای سیاسی مختلف بدرست در تلاش برای کمک به پیشبرد هرچه وسیعتر این اعتراض توده ای بودند. کمتر فرصت پرداختن به مسائل جانبی تر از جمله موضعگیری این یا آن جریان سیاسی در رابطه با اعتصاب بود، اما امروز با پشت سر گذاشتن موفقیت آمیز اعتصاب فکر میکنم جا دارد که به این امر پرداخته شود. این کار از آن رو ضروریست چون از لابلای این موضعگیریها میتوان نگرشهای متفاوت در قبال جنبش کردستان، موقعیت این جنبش و مسیر رو به پیش و موانع آن را باز شناخت. جدا از این ضروریست چون مردم کردستان اگر چه اعتصاب سراسری خود را با موفقیت پشت سر گذاشته اند و نشان دادند که سیاست سرکوب و ارباب رژیم نمیتواند آنها را از ادامه مبارزه برای دستیابی به خواستها و مطالباتشان باز دارد اما تلاش و مبارزه آنان در اشکال مختلف برای تحقق مطالبات خود همچنان ادامه خواهد یافت، از اینرو مرور این حرکت و ارزیابی آن برای شناخت دقیقتر نقاط قوت و یا ضعف، اندوخته مردم را در برداشتن گامهای بعدی و رویاروی با رژیم اسلامی پربارتر خواهد کرد.

در این نوشته قصد چنین کار البته لازمی را ندارم و تنها فکر کردم پرداختن به مواضع جریانات سیاسی در رابطه با اعتصاب سراسری مردم کردستان میتواند تا حدودی ما را در این مسیر قرار دهد و این امکان را فراهم میکند که به برخی از مؤلفه های مهم در این رابطه و بطورکلی با جنبش انقلابی مردم کردستان و ارتباط آن با جنبش سراسری بپردازیم.

با اعلام روز 23 اردیبهشت بعنوان روز اعتصاب سراسری در اعتراض به اعدامهای اخیر و در کل اعتراض به سیاست سرکوب و اختناق در ایران و در پشتیبانی از زندانیان سیاسی، جریانات سیاسی چه فعال در کردستان و چه جریانات سراسری چپ از این اعتصاب اعلام پشتیبانی کردند... اما در مواردی از این مواضع و اعلام پشتیبانی کردنها میتوان موضعگیریهای دو پهلو و ناروشن که فقط ارزش مصرف آن برای رفع تکلیف کردن در محافل است را سراغ گرفت. اطلاعیه شماره 2 کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری در قبال اعدامهای اخیر بتاريخ 21 اردیبهشت نمونه برجسته این نوع موضعگیریست که به باور من تنها پاسفیسم سیاسی این سازمان را میتوان از آن نتیجه گرفت. برگزیدن این اطلاعیه نه به این دلیل که این سازمان در جنبش مردم کرد

جایگاه ویژه‌ای را شغال میکند و گویا سیاستها و مواضعش میتواند تأثیری بجا گذارد، بلکه در این اطلاعیه که با نام " آیا مردم کردستان بپا خواهد خاست؟" منتشر گردیده، ظاهرا از موضع سازمان و جنبش سراسری! ماتریال لازم اما به عقیده من نادرست و نادقیقی را از مواضع سیاسی یک جریان چپ و سراسری!! در قبال جنبش کردستان، موقعیت و جایگاه آن و پیوند آن با جنبش سراسری را بدست میدهد، جدا از این و بویژه این اعلام موضع کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری، حداقل برای من جالب است زیرا این امکان را فراهم میکند که به سراغ همسویی تصادفی!! این اطلاعیه با جریانات ناسیونال-فرمیست در کردستان بروم که اتفاقا آنها نیز البته در شکل و بیانی متفاوت تقریبا همان مواضع اتحاد سوسیالیستی را در قبال جنبش کردستان بویژه بدنبال اعتراضات چند ماه اخیر در شهرهای بزرگ ایران اتخاذ کرده‌اند.

اطلاعیه پشتیبانی خود از اعتصاب سراسری را با عباراتی از " بپا خواستن مردم کرد!!" و حرکتی در راستای " ادغام در جنبش سراسری" و تلاش مردم کردستان برای پایان دادن به جدایی خود با جنبش سراسری!! نشان میدهد. و ضمن شکایت از " آرام ماندن" مناطق کردستان را بدنبال اعتراضات توده‌ای علیه رژیم اسلامی که آن را هم به مواضع و تحلیلهای نادرست سازمانها و احزاب فعال در کردستان ( کدام سازمان و حزب؟؟) از هر ابتکار سیاسی که پیوند جنبش کردستان با جنبش توده‌ای را تقویت کند پشتیبانی میکند. و در همین راستا فراخوان به اعتصاب عمومی... را مستقل از اینکه از جانب کدام احزاب و سازمانهای فعال در کردستان صورت گرفته باشد مثبت ارزیابی میکند.

من سراغ موارد بالا را در اطلاعیه کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری در ضمن نوشته حاضر میگیرم اما ابتدا ببینیم کدام سازمان و حزب فعال در کردستان با تحلیل نادرست خود موجب 'آرام' ماندن مناطق کردستان و " جدا ماندن" از جنبش سراسری گردیده است، نباید منظور حزب دمکراتها یا سازمانهایی که از کومه‌له جدا شده و با همین نام به فعالیت ادامه میدهند باشد، زیرا شاهد بودیم که این جریانات فعالیت تبلیغاتی گسترده‌ای را حتی بعضا برای تشویق مردم کردستان برای ریختن به خیابانها!! و یا به زعم آنان پیوند و ارتباط با جنبش سراسری!! و جا باز کردن و سهم بری از آنچه طبق تحلیل و پیش بینی آنها در پس اوضاع سیاسی در ایران قرار است اتفاق بیفتد، به پیش بردند. اما کردستان همچنان " آرام" بود و به فرمان این سازمان و احزاب به خیابانها نریخت و علیرغم همدلی عمیق با مبارزات سراسری، به پیوند و ادغام با آنچه که با زور تبلیغات و با استفاده از امکانات فراوان به عنوان جنبش جاری بر مبارزات و اعتراضات برحق مردم سایه انداخته است روی خوش نشان نداده است. (همانطور که علیرغم همدلی عمیق مردم ایران با مبارزات مردم کردستان اما در شکلی

گسترده و مؤثر در حرکت اعتراضی اخیر مردم کردستان شرکت نکرد زیرا متأسفانه علیرغم گستردگی و عمق بیزاری از حاکمیت اسلامی، کارگران و توده‌های جان بر لب رسیده هنوز از سازمان سراسری و قدرتمند خود محروم هستند که در راستای مصلحت‌های عمومی خود حرکت کنند). بنابراین مقصر اصلی در " آرام نگاه داشتن مناطق کردستان " باید کومه‌له و فراتر از کومه‌له باید رادیکالیسم موجود در جنبش کردستان باشد که به رهبری و افق مسلط بر حرکت‌های اعتراضی اخیر در شهرهای بزرگ ایران متوهم نبوده و پیوستن به آنرا در راستای منافع و مصالح خود ندیده است آنچه که موجب گلایه و شکایت اتحاد سوسیالیستی را فراهم کرده است (پاینتز به این نکته باز میگردم). به همین دلیل کمیته اجرایی برای دوری گزیدن از تناقض که در پشتیبانی از اعتصاب عمومی با آن رویرو خواهد شد از آوردن نام کومه‌له به عنوان فراخوان دهنده اعتصاب خودداری کرده و از عبارت مبهم " مستقل از اینکه فراخوان از جانب کدام سازمان یا حزب فعال در کردستان داده شده باشد " استفاده میکند.

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی میداند و خبر دارد که کدام سازمان یا حزب فعال در کردستان فراخوان اعتصاب را داده است اما اعلام آن، با شکایت از " آرام ماندن کردستان بدلیل تحلیل نادرست سازمان و احزاب فعال در کردستان " مناسبت پیدا نمیکند. سازمانی که با تحلیل نادرستش کردستان را " آرام نگاه داشته و موجب جدایی کردستان از جنبش سراسری بوده است " نمیتواند به یک تحلیل و ارزیابی دقیق دست یافته و چنین فراخوانی را اعلام و با موفقیت نیز به پیش رود. (قطعا از نظر من کدام سازمان یا حزبی فراخوان به اعتصاب را داده باشد نمیتواند مورد بحث و مشاجره باشد و واضح است که هیچ جریان سیاسی نمیتواند از آن بهره برداری سیاسی کند زیرا قبل از هر چیز این آمادگی مردم کردستان برای اقدامی سراسری علیه جنایات رژیم اسلامی بود که موجب این حرکت بزرگ گردید. مسئله محوری میتواند و باید این باشد که این اعتصاب با موفقیت و با شرکت فعال مردم کردستان و جریان‌های سیاسی به پیش رفت ، آنچه در سطور بالا در این رابطه آورده شد صرفا برای نشان دادن تناقض و ابهام‌گویی در اطلاعیه کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری بود).

حال باید پرسید واقعا آیا مبارزات مردم کردستان و مبارزات سراسری در قالب جنبش‌های اعتراضی در دو مسیر جدا از هم علیه حاکمیت اسلامی ره می‌پیمایند؟ حلقه ارتباط و پیوند چیست و از چه مسیری می‌گذرد؟

برای پاسخ به سوالات بالا باز هم به اطلاعیه اتحاد سوسیالیستی کارگری برگردیم و از عنوان نادرست اطلاعیه " آیا کردستان بپا خواهد خاست؟ " شروع کنیم. کوتاه بگویم که کردستان تنها به ادعای اطلاعیه از مدتها پیش بپا خواسته تا جاییکه به " سنگر انقلاب

" در ایران لقب گرفته بود و اکنون بیش از سی سال است که مقاومت و مبارزه‌ای توده‌ای را علیه حاکمیت سیاه رژیم اسلامی با تحمل فداکاریهای زیادی در ابعاد وسیع و در اشکال مختلف به پیش میبرد. شاید منظور اطلاعیه بپا خواستن مردم کردستان برای پیوستن به جنبش سراسری فعلی علیه رژیم اسلامی و ادغام در این جنبش باشد، چون قبلاً گفتیم اطلاعیه از "آرام" مانند کردستان گله مند است و اعتصاب فراخوان داده شده در 23 اریبهشت را علیرغم ابهامات فراوان در موضعگیری خود، مورد پشتیبانی قرار میدهد زیرا از آن بپا خواستن مردم کردستان!! و پایان دادن به این "جدایی" را نتیجه میگیرد.

جنبش کردستان جنبشی سیاسیست که با در نظر گرفتن تحولات مهمی که از سر گذرانده در بطن خود از رادیکالیسم بسیا قوی برخوردار است که طی دوره سی ساله اخیر در رویاروی با سیاستها و عملکردهای رژیم اسلامی و ارتجاع داخلی توانسته است به دستاوردهای با ارزشی دست یابد و درتناسب گرایشات موجود در جنبش از ظرفیت و موقعیت مناسبتری برخوردار باشد. گرایش پیشرو و رادیکال در جنبش کردستان علیرغم محدودیتهای فراوان و علیرغم عدم سازمانیافتگی وسیع، اما با طرح و بمیدان آوردن خواستها و مطالبات پیشرو کارگری، سازمان دادن حرکتها و اعتراضات کرگری، با طرح و بمیدان آوردن خواستها و مطالبات پیشرو در زمینه حقوق زنان، جوانان، کودکان و دیگر مسائل اجتماعی همواره خود را در مسیر مبارزه و اعتراض دیگر هم سرنوشتان خود در سراسر ایران دیده است و طی سی سال در این رهگذر بر تجارب و پختگی خود اندوخته است. حرکت اخیر در پیش بردن یک اعتصاب سراسری و حتی "آن آرامشی" که بدنبال اعتراضات چند ماه اخیر در شهرهای بزرگ ایران در کردستان بود از این واقعیت حکایت دارد و اتفاقاً همین پختگی در جنبش کردستان است که دست احزاب و سازمانها را باز نمیگذارد که با جاروجنجال تبلیغی آنها به هر سویی که میخواهند ببرند و اگر خواستند آنها به خیابانها بکشانند و از پیوند و ادغامش بگویند و حاصل آنها در کارنامه خود برای سهم بیشتر به ثبت رسانند!!

از ویژگی بارز این گرایش اجتماعی در جنبش کردستان همین تلاش برای پیوند عمیق سیاسی با جنبش سراسری از نوع خودش بوده و هست. برخلاف ادعای اطلاعیه اتحاد سوسیالیستی کارگری این جنبش با مراجعه به وقایع مهم سیاسی و ورق زدن اتفاقات و رویدادهای آن که باید برای کمیته اجرایی سازمان اتحاد سوسیالیستی کارگری آشنا باشد هیچگاه خود را از مبارزه و امیدها و آرزوهای مردم سراسر ایران برای دستیابی به یک زندگی شایسته انسان امروزی جدا ندانسته و نمیداند. گرایش رادیکال در جنبش کردستان میدانند که برای تامین خواست عمومی مردم کردستان یعنی فراهم آمدن شرایطی که در آن مردم کردنشین ایران آزادانه و بدون از هر نوع فشار نظامی، امنیتی،

سیاسی و اقتصادی سرنوشت سیاسی خود را رقم زند ، از طریق مشارکت جدی در حرکت سراسری و همسو و همگام شدن با جنبش رادیکال و پیشرو کارگری و توده‌ای میگذرد و از آنجاکه چنین جنبش اعتراضی سراسری پشتیبان و مدافع واقعی خواست مردم کردستان است، در این مسیر قرار گرفتن ممکن ترین، آسانترین راه تامین خواست مردم کردستان نیز است. از این نظر، پیوند و ارتباط مؤثر با جنبش رادیکال و پیشرو سراسری جزء لاینفک استراتژی سیاسی نیروی چپ در کردستان بوده و همانطور که بالاتر اشاره شد تا جاییکه به ارتباط با این جنبش مربوط است مردم کردستان از مدتها قبل پیا خواسته از این لحاظ کارنامه درخشانی از خود دارند.

کمیته اجرایی در اطلاعیه خود از این شکایت دارد که چرا کردستان بدنبال جنبش اعتراضی اخیر در برخی از شهرهای بزرگ ایران " آرام" بوده و به این جنبش نپیوست. حال باید پرسید منظور کدام جنبشی است؟ اما قبلا ببینیم کمیته اجرایی تا چه حد در شکایت خود از " آرام ماندن کردستان" محق است. بدون شک مردم کردستان در تنفر و بیزاری از حاکمیت سیاه رژیم اسلامی با دیگر مردم ایران مشترک و در مسیر مبارزه علیه سیاستها و عملکردهای این رژیم در قالب جنبشهای اعتراضی مشترک و همسو بوده و هست و طی سالهای گذشته مبارزات کارگری، مبارزه و اعتراض زنان و جوانان برای تامین خواستها و مطالباتشان در کردستان جزء جدایی ناپذیر جنبش سراسری در ایران بوده است.

حرکتهای اعتراضی در شهرهای ایران که بدنبال کودتای انتخاباتی گسترش یافت اگر چه ریشه در خشم فروخفته مردم علیه رژیم اسلامی دارد و اگر چه فرصتی بدست داد تا مردم این خشم خود را در شکل تظاهرات خیابانی بروز دهند و فریاد اعتراض خود را سر دهند ، اما متاسفانه فاقد آن سازمان و رهبری رادیکال و پیشرو بود تا این مبارزه و اعتراض را در مسیری برای به کرسی نشاندن خواستها و مطالبات روا و عادلانه قرار دهد و نهایتا و در ادامه خود حاکمیت اسلامی را به زیر کشد. به همین دلیل و ترس و نگرانی از پا گرفتن چنین روندی در پس اوضاع سیاسی ایران، و برای جلوگیری از کابوسی که میتواند کل نظم سرمایه‌داری چه در ایران و چه در منطقه پرآشوب خاورمیانه را بهم زند ، با استفاده از امکانات تبلیغی وسیعی در تلاشند تا به آن رنگ سبز زنده تا در مسیر قابل کنترل قرار گرفته و و بتوان خواستها و مطالباتش را محدود کرد. بازهم متاسفانه در غیاب سازمان سراسری رادیکال و پیشرو سبز بعنوان سنبل و افق اعتراضات ایندوره طرح و معرفی شده است( ظاهرا تا رفع این کابوس، بنظر میرسد رژیم اسلامی تاریخ مصرف جنبش سبز را تمدید کرده باشد و هر از چند گاهی به یکی از رهبران شناخته شده جنبش سبز فرصت میدهد تا نقی بزنند و به خیال خود مردم را آرام کنند) همان اتفاقی که سال 57 افتاد و اسلام سیاسی در غیاب جریان پیشرو و

سراسری بر انقلاب مردم ایران که برای رهایی از استبداد و بیعدالتی پا گرفته بود  
تحمیل کردند، میخواهند اینبار نیز اگر رژیم فعلی یارای رودرویی با مردم را از دست  
داد، سبز را بر مبارزه و اعتراض مردم ایران تحمیل کنند.

اگر مردم کردستان سال 57 به رهبری و افق تحمیل شده به انقلاب خود توهمی نداشتند  
و مسیر دیگری گرفتند که برای دوره‌ای طولانی سنگر انقلاب ایران نام گرفتند، امروز  
هم علیرغم شکایت از " آرام " ماندنشان از سوی سازمان اتحاد سوسیالیستی کارگری و  
علیرغم تلاش احزاب ناسیونال-رفرمیست در کردستان برای الحاقشان به جنبش سبز، به  
رهبری و افق تحمیلی توهمی ندارند و در مسیری دیگرند، در مسیر تلاش برای تقویت  
خود و ارتباط و پیوند با جنبشهای رادیکال سراسری .

واضح است مردم کردستان باید در سیاست و افق جنبش سراسری ردپای محکمی از  
خواستها و مطالبات خود سراغ کنند تا به آن بپیوندند. جنبش رادیکال و پیشرو کارگری  
و توده‌ای دارای چنین ظرفیت و امکانیست که بطور واقعی و قطعی در رفع نابرابریها و  
زدودن آثار ناگوار ستم ملی بر هم سرنوشتی طبقاتی گام بردارد و اتفاقا نقطه قوت تحقق  
اهداف خود را در پیگیری رفع این ستم در ابعاد مختلف آن میبیند. و از اینرو جنبش  
انقلابی مردم کردستان خود را همگام و همسو با این جنبش دیده و خواهد دید. برای  
تقویت این جنبش خود را از هم اکنون سهیم میداند. اگر از منظر این گرایش به  
کردستان نگاه کنیم نه آن " آرامی " مورد شکایت کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی  
کارگری موجه است نه آن گلایه احزاب ناسیونال-رفرمیست که مردم کردستان فراخوان  
انها را برای الحاق به جنبش سبز تا کنون نپذیرفتن و به خیابانها نریختند و کردستان  
" آرام " ماند.

بدون شک ضعف رادیکالیسم در کردستان راه را برای جنبش سبز باز خواهد گذاشت  
که با محدود کردن خواستها و مطالبات مردم کردستان آنرا به بیراهه برده و قربانی  
سهم بری احزاب ناسیونالیست کرده و آنها اینبار مردم کردستان را از جنبش سراسری  
دور نگه دارند و از مبارزات آنان برای گرفتن امتیاز از بالا استفاده کنند. نکته‌ای که  
جریانات چپ و رادیکال باید بر آن واقف باشند .

جمال بزرگپور

24-05-2010